
واکاوی همبستگی معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به سنجه آیات و روایات؛ با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر سید مهدی رحمتی^۱ (نویسنده مسئول)
کوثر السادات آقاپور حصیری^۲

چکیده

جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به سمت پذیرش اهمیت رو به افزایش حوزه مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی در شکل دادن به هویت شخصی و جمعی است. در این میان واکاوی ارتباط معنادار معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به‌عنوان بزرگترین سرمایه‌های کشور در ریل‌گذاری و راه‌اندازی قطار پیشرفت و دفاع از ارزش‌های ایران اسلامی، دارای جایگاه ویژه در اندیشه اسلامی است. یافته‌های نوشتار حاضر که با روش کتابخانه‌ای، مبتنی بر توصیف و تحلیل آیات و روایات، به ارزیابی جایگاه جوانان در منظومه فکری ثقلین پرداخته و همبستگی معنویت و معیشت را در سبک زندگی ایشان

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث و عضو هیئت علمی دانشگاه گنبد کاووس، rahmati@gonbad.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران،

kosareaghapour@gmail.com

کاویده از یک سو حاکی از آن است که بسامد حداکثری جوان باوری و جوان سپاری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ریشه در تنوع مؤلفه‌های شکل دهنده هویت و شخصیت و ویژگی‌های نگرشی و رفتاری، حالات و رفتارهای متمایز جوانان از سایر اقشار اجتماعی داشته و از سوی دیگر میان معنویت و سبک زندگی (بعد هنجارهای مصرف) رابطه معناداری وجود دارد؛ آن‌طور که پایبندی به موازین کوثرگزین و تکاثرستیز در حوزه طلب روزی و مصرف، کاهش احساس فقر، افزایش رضایتمندی معیشتی و بهباشی روانی جوانان را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه: بیانیه گام دوم، جوان، معنویت، سبک زندگی، معیشت.

۱. مقدمه

پیشرفت عمومی صنعت و تکنولوژی، برای توده‌های مردم آن قدر اسباب رفاه و برخورداری فراهم آورده که شاید پادشاهان گذشته، نمی‌توانستند به آن‌ها دست یابند. با این وصف، روان بی‌شماری از مردم، آشفته و متشنج است. طمع و هوس بی‌حد و مرز، اشک ریختن برای خواسته‌های اندک، بهره‌برداری و شور خوشبختی از داشته‌ها را تباه و آتش کینه را در عالم برافروخته است. چه تأمل برانگیز است که عضلات جهان از اندیشه‌اش بزرگ‌تر می‌نماید. جهان کنونی، جهانی است که خود را به یاد دارد، ولی معنویت و خدایش را فراموش نموده است. معنویت‌گرایی دینی امری مرتبط با زندگی انسان‌ها و حیات سیاسی اجتماعی آنان است. موضوعی که اگرچه آثار فکری و عملی زیادی از خود در ساحت‌های گوناگون حیات بشری بر جای گذاشته و در تاریخ ایران و جهان مصادیق فراوانی دارد (کندی ادی، ۱۳۸۱: ۶۵) اما امروزه به سبب برنتابیدن سیاست مسلط بر جوامع انسانی و به‌طور ویژه غرب، تلاش بر به حاشیه راندن آن از زندگی افراد، و شخصی‌سازی و مستقل جلوه دادن آن از روابط اجتماعی و حکومتی است. آن‌طور که مذهبی بودن در مسیحیت متأخر، یک صفت شخصی به حساب آمده و هر فردی در تجربه دینی خود می‌تواند با خداوند و موجودات ماورایی ارتباط برقرار کند. (براون، ۱۳۷۵: ۱۳۱۱۲۴) این درحالی است که وقوع انقلاب اسلامی ایران و طلوع گام دوم آن، معادلات معنویت‌زدا را برهم زد و طرح نو و بی‌بدیل از پیوند و همبستگی معنویت و سیاست را در انداخت. آن‌طور که امام خمینی رحمته‌الله علیه به‌عنوان پایه‌گذار انقلاب، از معنویات در رأس امور مرتبط با تشکیل حکومت اسلامی یاد نمود (خمینی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) و فوکو که خود از نزدیک شاهد این نوآوری و دگرگونی بود، انقلاب اسلامی ایران را، روحی در جهان بی‌روح نامید. (فوکو، ۱۳۸۴: ۶۱) رهبر معظم انقلاب نیز همواره در سخنان و سفارش‌های خود، از جمله در بیانیه گام دوم با تأکید بر اهمیت نقش جوانان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تداوم، توسعه و صدور آن، و توجه به جوان‌ستایی و مهم‌تر از آن جوان‌سپاری در نظام اسلامی، معنویت را عامل زنده نگاه‌داشتن

روح جامعه و استمرار حیات آن قلمداد کرده‌اند. ایشان انقلاب اسلامی را یک انقلاب معنوی دانسته‌اند که حضور و رسوخ معنویت، در جامعه به وضوح دیده می‌شود و در همه ابعاد آن، از جمله جنگ که اولین مسئله است تا کارخانه، خانه، مدرسه و حتی در نحوه مصرف و راه و روش زندگی روزمره مردم به چشم می‌خورد. (بیانات، ۱۳۶۷/۹/۲۷: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۶۷>)

پژوهش حاضر با عنایت به بیانیه گام دوم به‌عنوان آشنایی از حکمت، فرهیختگی و پختگی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که در چهل‌سالگی انقلاب بر قلم ظریف و لطیف و نکته‌سنج ایشان جاری شده است، و آگاهی از فقدان پژوهشی مستقل در عرصه واکاوی کلام ایشان به سنجه تقلین شریف، بر آن است که پس از مفهوم‌شناسی و دریافت جایگاه عناصر متغیر پژوهش با محوریت «جوانان، معنویت و اقتصاد» در کلام رهبری به بررسی مهم‌ترین نقاط تمایز جوانان و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری موتور محرک نظام اسلامی در سایه سار تقلین پردازد. و در انجام تحقیق، مهم‌ترین آثار اقتصاد پویا و سازنده بر معنویت و سلامت روحی اجتماع و چگونگی تعامل این دو رکن قابل اعتنا را به سنجه آیات و روایات بیان نماید.

۲. درنگی بر جایگاه مفاهیم «جوانان، معنویت و اقتصاد» در بیانیه گام دوم

۱.۲. جوانان

مقام عظمای ولایت در بیانیه گام دوم که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر کرده‌اند، بیش از پیش بر مسئله جوانان و جایگاه ایشان در تمدن‌سازی نوین اسلامی تأکید کرده‌اند. پیش از بررسی محتوای تقلین در این زمینه، به گزارش گزیده بیانات ایشان با فراوانی کاربردی ۳۸ باره کلید واژه جوان و مشتقات آن می‌پردازیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مطلع بیانیه با عنوان «ورود انقلاب به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» پس از یادکرد نسل آغازگر و ادامه دهنده راه انقلاب، نسل جوان را، نسل تلاشگر

در مسیر فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم انقلاب معرفی می‌نمایند. معظم له برآنند که فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این فاصله‌ای طی شدنی است و با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پراکنگیزه با قدرت بیشتری طی خواهد شد. ایشان با تأکید بر این که دهه‌های آینده از آن جوانان است، معتقدند که جوانان باید با کارآزمودگی و انگیزه والا از انقلاب حراست کرده و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنند. گام‌های استواری که جز در سایه شناخت درست گذشته و درس گرفتن از تجربه‌ها برداشته نخواهد شد.

امام خامنه‌ای وارد ساختن جوانان به عرصه مدیریت و تزریق روحیه و باور ما می‌توانیم به همگان را، از برکات بزرگ انقلاب اسلامی برمی‌شمارند. انقلاب جوان‌مداری که سبب ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، موتور پیشران در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی شد، مشارکت مردمی و سابقه خدمت‌رسانی را به اوج رسانید و با ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم، کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور را سنگین نمود و این‌گونه چشم امید همگان را در عدالت‌گستری برتر را به سوی جوانان خیر ساخت. جوانان طلیعه‌داری که در سایه رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی و دگرگونی فضا به سوی اخلاق، با وجود سقوط اخلاقی روز افزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان به فساد، و منزوی ساختن اخلاق و معنویت در بخش‌های عمده عالم، دل‌های مستعد و نورانشان جذب گشت و با مجاهدت‌های خود در میدان‌های سخت همچون دفاع مقدس و رقابت در صفوف اعتکاف و عبادات، اردوهای جهادی، بسیج سازندگی و پیاده‌روی‌های زیارتی ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همگان کردند. ایستادگی روز افزون در برابر قلدران و زورگویان و مستبدان جهانی در سایه سار این معنویت مبتنی بر شناخت حاصل شد و خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی، به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار آمد.

ایشان در فرازی اختصاصی، محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی را همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی دانسته و می‌نگارند: «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند... مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد... گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوم چشم انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.»

آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) بخش پایانی توصیه‌های هفت‌گانه^۱ خود را با تأکید بر امید و نگاه خوشبینانه به آینده، متوجه جوانان ساخته و جوانان را پیشگام در هم شکستن

۱. علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، هفت توصیه‌نهایی بیانیه گام دوم است.

محاصره تبلیغاتی دشمنان در تزریق روحیه ناامیدی و ترس معرفی کرده و خطاب به ایشان می‌نگارند: «رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.»

۲.۲. معنویت

سویه و متغیر دیگر این پژوهش معنویت است، امری که در کلام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و رهبری ایران اسلامی ریشه داشته و ارتباط معناداری میان آن و سرنوشت جامعه اسلامی برقرار شده است. آن‌طور که امام خمینی رحمته‌الله علیه انقلاب اسلامی را متکی به معنویات و خداوند دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۳۰۸/۱۵) و رهبری انقلاب بر آن هستند که روح و اساس کار ما معنویت است و ما هیچ‌گاه از آن صرف نظر نخواهیم کرد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۸۳>) تأمل بر ناخوشایندی حیات برای انسان امروزی با وجود دستیابی به پیشرفت‌های مادی کم نظیر و بی‌سابقه، به سبب دور شدن از خداوند و زندگی اخلاقی شاهد بر این باور و گواه صدق آن است. چه گویا بشر با وجود دسترسی به منابع شادکامی و خوشبختی، ارمغان نجات‌بخش و نسخه شفا بخش انبیاء را از کف داده و یا آن که به آن در ابعاد فردی و اجتماعی اعتنا نمی‌کند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۰۹/۰۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۷۷>)

درنگ بر روح معنویت‌گرایی در اندیشه حرکت به سوی تمدن اسلامی زمینه ساز ظهور منجی بشریت، بیش از همه نشان از جایگاه معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارد. مبنایی که در دو بخش دیرینه‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی و آینده‌انگاری فرجام آن نمود یافته است. به گونه‌ای که مطابق سخنان رهبری انقلاب در بیانیه، افزایش چشم‌گیر

معنویت در فضای عمومی جامعه، سابقه‌ای امید آفرین و معجزه انقلاب اسلامی به حساب می‌آید. ایشان درباره برکات مهم انقلاب اسلامی و نقش آن در افزایش عیار معنویت و اخلاق بیان می‌دارند: انقلاب عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعّال و پیشرو است.»

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی همچنین با رویکردی پسینی و آینده‌نگاری انقلاب اسلامی، در بخش «سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده» از معنویت و اخلاق یاد کرده و پس از بیان مفهوم معنویت و اخلاق، فرد فرد جامعه را بدان توصیه می‌نمایند و با تأکید بر ناممکن بودن دستوری ساختن معنویت و اخلاق، به نقش مهم حاکمیت در زمینه‌سازی و تبلور این عنصر سازنده اشاره می‌کنند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیشرو باید

در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.»

۲.۳. اقتصاد

سوّمین مفهوم و متغیّر اساسی در کلام رهبری انقلاب اسلامی، «اقتصاد» است. مفهومی که در سخنان ایشان در چند سال گذشته پربسامد بوده و از سال ۱۳۷۸ شمسی به عنوان مطلع دوران نام‌گذاری سال‌های شمسی و سیاست‌گذاری کلان جامعه در قالب پیام‌های نوروزی، بیش از همه از اواخر دهه هشتاد تا کنون نمایان است:

عنوان	سال
امام خمینی <small>رحمته‌الله</small>	۱۳۷۸
امام علی <small>علیه‌السلام</small>	۱۳۷۹
اقتدار ملی و اشتغال‌آفرینی	۱۳۸۰
عزت و افتخار حسینی	۱۳۸۱
خدمت‌گزاری	۱۳۸۲
پاسخگویی	۱۳۸۳
همبستگی ملی و مشارکت عمومی	۱۳۸۴
پیامبر اعظم <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>	۱۳۸۵
اتحاد ملی، انسجام اسلامی	۱۳۸۶
نواوری و شکوفایی	۱۳۸۷
حرکت به سمت اصلاح‌الگوی مصرف	۱۳۸۸
همّت مضاعف، کار مضاعف	۱۳۸۹
جهاد اقتصادی	۱۳۹۰
تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی	۱۳۹۱
حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی	۱۳۹۲
اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی	۱۳۹۳
دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی	۱۳۹۴
اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل	۱۳۹۵

اقتصاد مقاومتی؛ تولید. اشتغال	۱۳۹۶
حمایت از کالای ایرانی	۱۳۹۷
رونق تولید	۱۳۹۸
جهش تولید	۱۳۹۹
تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها	۱۴۰۰

جایگاه اقتصاد در بیانیه گام دوم را بیش از همه باید در بخش توصیه‌های پایانی رهبری جست‌وجو نمود. آن‌جا که پس از یادکرد اقتصاد به‌عنوان یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور به اثرگذاری فقر و غنا بر مادّیات و معنویات بشر می‌پردازدند. ایشان گرچه اقتصاد را هدف جامعه اسلامی نمی‌دانند، اما آن‌را وسیله‌ای مهم معرفی می‌نمایند که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. رهبر فرزانه انقلاب با تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است از وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی به‌عنوان مهم‌ترین عیوب حاضر یاد کرده و نتیجه آن را مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف می‌دانند. معظّم له در بخش پایانی سخنان خود به ارائه راهبردها و راه‌کارها پرداخته و با تأکید بر اجرایی نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گفته‌های خود را پایان می‌بخشند: «راه‌حلّ این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهمّ این راه‌حل‌ها است.

بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. این‌که کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.»

۳. جایگاه جوانان از نگاه قرآن و روایات

قرآن کریم پس از یادکرد مرحله بنیادین؛ کودکی، جوانی و کهنسالی از حیات بشری (روم، ۵۴) از جوانی به‌عنوان دوره کمال و نهایت قوای جسمانی و عقلانی یاد کرده است. (حج، ۵؛ قصص، ۱۴) رویکردی که در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دنبال شده و از این دوران در ردیف نعمت‌های ارزشمندی همچون سلامتی، ثروت، فراغت و حیات نام برده شده است. (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۶) جوانی دوران هویت‌پذیری به همراه رشد عزت نفس، نگرش مثبت و اتخاذ تصمیم‌های سرنوشت‌ساز و پراثر، ورود به عرصه زندگی اجتماعی و عطای مورد سؤال الهی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۴/۲) و مغبون و زیان دیده آن است که به ارزش این ایام پس از فقدان آن آگاه شود. (میبیدی یزدی، ۱۴۱۱: ۱۵۲) تمامی ادیان، مذاهب و مکتب‌های فکری، بدون استثنا بر این نکته اذعان و اتفاق نظر دارند که زیربنای شخصیت انسانی و شالوده حیات مفید او در زمان جوانی تکوین خواهد یافت و سرنوشت غیرتمند یا ذلت‌بار او در جوانی رقم خواهد خورد. (احمدی، ۱۳۸۲: ۸) جوانان بزرگترین سرمایه‌های هر کشوری می‌باشند که چرخ‌های عظیم صنعت، عمران و دفاع از ارزش‌های فرهنگی و جغرافیایی و... همگی بر توان ایشان استوار است. آن‌طور که می‌توان، حیات و بقای موفق

اجتماعی را در گرو موقعیت و تلاش آنان در جامعه داست. (آموزگار، ۱۳۷۲: ۲۴۷/۱)

شناخت و بصیرت نسبت به امور و خصایص جوان و جوانی، رهگشا و رافع مسائل و نیازهای ایشان است چراکه ویژگی‌های نگرشی و رفتاری جوانان، حالات و رفتارهای متمایزی از سایر اقشار اجتماعی به آنان می‌بخشد و اهمیت پرداختن به مسائل ایشان را به مراتب افزایش می‌دهد. (منصور و دادستان، ۱۳۸۱: ۱۳) امری که در آیات و روایات منعکس شده و اهتمام حداکثری رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز آن متمرکز است. ویژگی‌های بی‌نظیر این دوران همچون فطرت پاک و بی‌آلایش، استعداد و نشاط، خودجوشی و خودباوری، خلاقیت و ابتکار، قدرتمندی و خستگی‌ناپذیری و... از یک سو و نقایصی مانند غرور، بحران هویت، عدم هماهنگی میان عقل و احساس در کنار نیازها و آسیب‌های روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... از سوی دیگر همه و همه نشان‌گر اهمیت این دوران و نقش محوری برنامه‌ریزی صحیح و مدبرانه و استفاده درست و به موقع از آن در جهت فلاح و سعادت جامعه انسانی است. در ادامه نوشتار پیش‌رو به اختصار مهم‌ترین ویژگی‌ها، آسیب‌ها و نیازهای اساسی جوانان را توصیف خواهیم نمود که توجه آیین شریف اسلام، آیات و روایات اسلامی و رهبر فرزانه انقلاب را به خود معطوف داشته است.

۳.۱. ویژگی‌ها؛ رشد اجتماعی، الگویابی، نوگرایی، ارزش‌گرایی

رشد اجتماعی از مهم‌ترین جنبه‌های رشد آدمی است که در دوره جوانی می‌تواند به کمال نسبی برسد (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۵: ۷۸۳) و بسته به فرهنگی که جوانان در آن تربیت یافته‌اند، متفاوت است. (سید محمدی، ۱۳۸۵: ۱۵۱/۲) جوانی که در فرهنگ متکی بر استقلال فردی رشد می‌یابد، معمولاً فردی متمایز، پیرو اهداف شخصی و متمرکز بر اندیشه‌ها و عقاید خویش می‌باشد، اما از سوی دیگر جوانی که در فرهنگ آرمانی متکی بر سعادت جامعه نمو می‌یابد خود را فارق از اجتماع ندانسته و تمام تلاش خود را در راستای نیل به کمال جمعی سوق داده و نشانه‌های این رویکرد کمال‌گرا و برخوردار از روحیه جمعی

در مسئولیت پذیری، انتقادپذیری و روحیه منتقدانه، خودکفایی و استقلال، اعتدال، سعه صدر و آینده‌نگری توأم با امیدواری و هدف‌مندی، در زندگی و فعالیت‌های وی نمایان است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۴۶۴)

از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های شخصیت انسان در دوره جوانی الگویابی است، چراکه به تعبیر روایات اسلامی دل جوان همچون زمین خالی و مستعد از برای کشت و پذیرش است (شریف الرضی، ۱۳۷۹: نامه ۳۱) جوان در تاریخ و در شرح حال بزرگان برای خویش الگوی تقلید جست‌وجو می‌کند. ادبیات، هنر و مذهب برای او معنای تازه‌ای پیدا کرده و با شکل‌گیری علاقه‌ای شگفت‌آور به افکار انتزاعی بر آن است که با عبور از تلاطم اندیشه‌ها و گفته‌ها، خود را دریابد. (لطف آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۰) اگر جوان از شرایط مساعد فرهنگی و وجود الگوهای ارزشی محروم باشد (احزاب، ۲۱) به‌طور طبیعی، کورکورانه از الگوهای غیر ارزشی و بی‌ثمر تبعیت می‌نماید و با دور شدن از اذحق به ورطه نابودی درمی‌افتد. (مائده، ۱۰۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۴۰۱)

رشد اجتماعی و الگویی‌یابی با همراهی نوگرایی، سرزمین وجودی جوان را بسی ناشناخته‌تر و درک صحیح آن را گاه سخت‌تر می‌سازد. از ویژگی‌های بارز دین مبین اسلام که آن را از دیگر مکاتب متمایز می‌سازد، پایبندی فراوان به اعتدال و میانه‌روی در همه جوانب حیات است. (بقره، ۱۴۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۱۳۷؛ ۸/۱۲۵؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۲۹۲) تجدد طلبی، نوگرایی و هم‌گامی با زمان نیز از این خصیصه مستثنی نیست چراکه انسان تصویر شده در اندیشه‌آرمانی دین خاتم، نه عقده سنت شکنی دارد و نه تعصب بر قدمت‌گرایی، تنها دغدغه چنین انسانی حقیقت و حقانیت است. پیشرفت و تکامل از یک سو و فساد و انحراف از سوی دیگر دو امر جدانشدنی و همراه با زمان است، مصلح و مرتجع هردو علیه زمان قیام می‌کنند، با این تفاوت که مصلح، علیه انحراف زمان و مرتجع علیه پیشرفت آن، اما اسلام خواهان نوگرایی مثبت و اصلاح‌گرایانه است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۷۲)

دیگر ویژگی قابل توجه و پرداخت در جوانان، حق طلبی و گرایش به ارزش‌ها است که گاه موجب آن می‌گردد که این بازه حیاتی از عمر آدمی، به دوران ماوراء طبیعت نام‌گذاری شود. (دبس، ۱۳۳۵: ۱۲۲) آن‌طور که پیامبر مکرم اسلام جوانان را نخستین و راسخ‌ترین حامیان خویش معرفی نموده و جامعه را به برخورد توأم با احسان و خیر با این نازک دلان سفارش می‌کنند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۵۲) و در متون اسلامی از ایشان به‌عنوان پیشرانان و پیشروان حرکت به سوی ارزش‌ها (حمیری، ۱۴۱۳: ۴۴۳) و همگامان بی‌بدیل عدالت بخش جهانیان، حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام یاد شده است. (القندوزی الحنفی، ۱۴۱۶: ۲۲۰/۳) جوانان به سبب نزدیکی به سرشت خدایی و حق طلبی (روم، ۳۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۳۳۱) هرگاه در خلأ اعتقادی و فقر ارزشی و دینی واقع شده‌اند، به صورت وسیعی به دین متمایل گشته‌اند و گروندگان به انبیاء الهی همچون نوح، موسی، عیسی و خاتم‌الانبیاء علیهم السلام شاهد بر این مدعا هستند. (یونس، ۸۳؛ هود ۲۷)

۳.۲. آسیب‌ها؛ جنون و مستی جوانی

رهیافت به ویژگی‌ها و توانمندی‌های منحصر به فرد دوره جوانی، نباید موجب غفلت از کاستی‌ها و آسیب‌های تهدیدکننده این دوران خطیر شود. جوان در دوره جوانی با مشکلات و آسیب‌های چندی روبه‌رو است از جمله؛ غرور و مستی جوانی، جهل و ناپختگی، طغیان و سرکشی، احساس حقارت یا خودکم‌بینی، خودباختگی فرهنگی، نوگرایی جاهلانه و... با نگاه دقیق به روایات صادر شده در این باره متوجه خواهیم گشت که این تکثر در تقسیم از سر تسامح است و آفات و نقائص یاد شده نه در عرض هم بلکه همگی در طول عنوان فراگیر جنون و مستی جوانی جای می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی همواره از غرور و خودبزرگ‌بینی نهی شده است. (لقمان، ۱۸؛ اسراء ۳۷) دوره جوانی، زمان ابهام، سردرگمی‌ها و اشتباهات است. چه جوان از یک سو، احساس بزرگی و کمال جسمی و روحی می‌نماید و از سوی دیگر به سبب نقصان تجربه و علم کافی، مشکلات فراوانی را بر سر راه خود می‌بیند که قادر به حل آن‌ها نیست، حالتی که در روایات اسلامی از آن به‌عنوان «مستی یا جنون جوانی» یاد

شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۷/۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳۷۱/۱۱) رفتاری که گاه با افراط و سوء استفاده از استدلال‌های به ظاهر منطقی و به‌ویژه جدل‌ها و قیاس‌های بی‌اساس همراه شده و مبدل به «جنون خودنمایی» می‌گردد. (دبس، ۱۳۳۵: ۱۰۷)

اولیای دین برای درمان این آسیب و بیماری، راه‌های فردی و اجتماعی و به تعبیر دیگر وظایف فردی و اجتماعی گرانمایه‌ای را معین نموده‌اند. ایشان فرد را به شناخت خود، خداوند و فروتنی در برابر ذات ازلی و جامعه را به درک شرایط و موقعیت بحران شخصیت جوان و جذب و اصلاح وی به جای تحقیر و طرد او رهنمون ساخته و خطاهای جوان و عذر وی را معذور قلمداد کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۱/۷۰؛ ۱۳۴/۷۵)

۳.۳. نیازها و مسائل

ویژگی‌ها، کاستی‌ها و آسیب‌های یاد شده در این نوشتار، در کنار آگاهی از نرخ رشد جمعیت جوان در ایران اسلامی، همگی نشان از ضرورت توجه به مسائل جوانان و رفع مشکلات شغلی، تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی آنان دارد. جوان نیازمند به اظهار نظر و طرح اندیشه خود و استقلال فکری و عملی است و در مقابل هرکدام از نیازها، پاسخ مثبت و همسوی جامعه را خواهان است و این اساساً خصیصه فطری بشر است که متمایل به برخورد شایسته و منزجر از عکس‌العمل نامناسب است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۸۱/۴)

بنابراین می‌بایست در خانواده و اجتماع در محدوده حقوق جوان و متناسب با نیازها و مسائل وی و توان عمومی جامعه برخورد مناسب صورت پذیرد تا ادبار و واکنش نامناسب و سرکشانه جوانان را در پی نداشته باشد. (فلسفی، ۱۳۶۸: ۳۰۶/۱)

اشتغال، ازدواج، آموزش، بهداشت، مسکن، اوقات فراغت، آگاهی از قوانین و سیاست‌ها، حقوق و مشارکت اجتماعی، و... از جمله نیازهایی است که برای جوانان برشمرده‌اند. (آقاپور و فرخی، ۱۳۸۳: ۸-۱۰) می‌توان این نیازها و مسائل را در عناوین عمده و اساسی: زیستی، روانی، فرهنگی و معرفتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جای داد و بر فرد جامعه ایرانی اسلامی، به‌طور ویژه مسئولان و متولیان امر لازم دانست تا پیرو تحقق

اهداف و آرمان‌های جمعی، از رفع این نیازها، هدایت، مدیریت و تسهیل بهره‌مندی از آن‌ها غافل نشده و با برنامه‌ریزی متقن و پی‌گیری سیاست‌های خرد و کلان، جوانان را از برآورده‌سازی نیازهای ابتدائی و بنیادین خود دور نساژند.

۴. واکاوی تعامل و همبستگی اقتصاد و معنویت

دستیابی به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان یک دغدغه اساسی و مسئله مورد توجه اندیشمندان کشور، نیازمند رعایت بایسته‌ها و الزاماتی است که بدون توجه به آن‌ها، محقق نخواهد شد. امری که در واقع تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل و البته دست‌یافتنی است که باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط اساسی و نقشه راه باشد؛ چراکه اداره یک جامعه، الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی رهبری اجتماع ناچار از پذیرش و مدیریت صحیح تحولات و تغییرات آن است. بی‌تفاوت بودن نسبت به اقتضائات جدید و ارائه ساز و کار متناسب با آن، تنها منجر به بی‌ثمر و یا حداقّلی جلوه نمودن آموزه‌های اسلامی در سطح گزاره‌های فردی اخلاقی و تنزل آن از ساحت مدیریتی، نظام‌سازی و ارائه الگویی فراگیر و متکامل می‌گردد. بنابراین با توجه به مبانی و جهت‌گیری قانون اساسی درباره حاکمیت موازین و اصول اسلامی بر همه دستورات‌عمل‌ها و ساز و کارهای پیشنهادی، نظام‌سازی اسلامی دارای مؤلفه‌ها و اصول ارزشی برخاسته از دین است که بر مفاهیم اصیل و بنیادین عدالت، معنویت، عقلانیت، آزادی مبتنی بوده و بیانیه گام دوم با عنایت به این افق والا تدوین شده و اصول، راهبردها، راهکارها و آسیب‌های پیش‌رو را بیان نموده است.

در ساختار اندیشه و تمدن نوین اسلامی نقش معنویت به‌عنوان امری مهم و تأثیرگذار بر تمامی زوایای زندگی انسان‌ها و به‌طور خاص فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی غیر قابل انکار و تغافل است. چراکه نوع تلقی و برداشت‌های معنوی و تعامل آن با واقعیت‌های اقتصادی بیش از همه در عرصه‌های شغل‌گزینی، ازدواج و فرزندآوری در سبک زندگی جوانان مشهود و مؤثر است. در این میان دین مبین اسلام به‌عنوان جامع رهاورد بعثت‌های

آسمانی (مأئده، ۳) و پاسخ دهنده نیازهای عقلانی، جسمانی و تربیتی. روحانی آدمیان در سه ساحت معرفت، معنویت و شریعت، نه تنها از موضوع ارائه الگوی صحیح در زندگی فردی و اجتماعی در مسیر نیل به سعادت دنیوی و اخروی غافل نبوده بلکه با دعوت فراگیر جامعه انسانی به قسط و حیات طیبه و تقدّم تکوین ملت و جهاد تربیتی بر تکوین دولت و جهاد اقتصادی و سیاسیبه مبارزه همه جانبه فکری و عملی با جهل، تحجّر، جمود و عوام‌زدگی پرداخته است. به طوری که به اعتقاد برخی از اندیشمندان، تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی در سایه سار حریم وحی از ویژگی‌های اصلی تربیت و سبک زندگی اسلامی است. (حدید، ۲۵)

این پژوهش با عنایت به اهمیت تأثیرگذاری اقتصاد در جهت‌دهی و پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی و لزوم تأمل در مبانی معرفتی و فرهنگی آن در جامعه اسلامی، در ادامه بر آن است که پس از بیانی اجمالی از مفهوم معنویت مورد پذیرش اسلام و تبیین نگاه قرآن کریم و منابع روایی به اقتصاد، به واکاوی تأثیرگذاری معنویت بر ابعاد اقتصادی سبک زندگی جوانان با تمرکز بر دو بعد ازدواج و فرزندآوری پردازد. چه ظهور و تثبیت تمدن نوین اسلامی، افزون بر شناخت مبانی و ارائه راهبردها و راهکارهای دقیق، نیازمند تشکیل تحکیم خانواده و به دنبال آن پرورش نسل توحیدی پیشران این هدف متعالی است. شایان ذکر است که یافته‌های این پژوهش و تأکید آن بر همبستگی معنویت و اقتصاد و نقش بی‌بدیل آن بر سبک زندگی جوانان از نگاه بیانیه گام دوم به سنجه ثقلین، به معنای نادیده گرفتن فقر عینی و ملموس و تأثیرات منفی آن بر اقتصاد و روند زندگی را ندارد. چراکه فقر واقع و عینیّت یافته در جوامع انسانی مشکلی پذیرفته و غیرقابل انکار است و لزوم فعلیت بخشی به نظام توزیع درآمد و تحقق عدالت اجتماعی را طلب می‌نماید. (صدر، ۱۳۷۵: ۳۷۵، ۲۸۹ و ۶۸۰۶۶۱) چالشی اساسی که در صورت مدیریت ناصحیح، توانایی تبدیل معضل به بحران خرد و در صورت تراکم، شدت‌یابی و دوام، شکل‌گیری بحران‌های کلان و تامّ را داشته و حیات جامعه را به خطر می‌افکند.

۴.۱. خاستگاه معنویت در فرهنگ اسلامی

اصلاح و تکمیل مسیر حرکت نظام کلان سیاسی، جزء متمم نظام‌سازی محسوب می‌شود و در این راستا، پیشرفت و تعالی جامعه با حفظ اصول و هویت نظام اصلی امکان‌پذیر است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=&year=۱۳۹۰>) در این میان، معنویت و اخلاق، رکن امنیت بخش و تعدیل‌کننده سیاست‌ها و راهکارهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی حاکم بوده و ضامن اجرایی هر چه بهتر چشم‌اندازهای در نظر گرفته شده در نظام اسلامی است. ریشه و بنیان این امر را باید در ماهیت نظام اسلامی دنبال کرد، چه نظام شکل گرفته در جغرافیای ایران زمین، واقعی و تکوینی. الهی است و راهبردها و راهکارهای ارائه شده در آن جنبه اعتباری و موقت نداشته و سویه دنیامدارانه صرف ندارد. این رابطه در نظام اسلامی، تنها حول محور قرارداد و امور صرفاً اعتباری نمی‌باشد؛ چرا که انگیزه اصلی در این نظام، برقراری و صیانت پیوند با خداوند است که همگان با ذات اقدسش ارتباط وجودی دارند و سایر مسائل؛ مانند ساختار و عناوین نظیر ریاست، مروت‌سیت، معاونت و... فقط به منظور ایجاد نظم صوری در جامعه می‌باشد؛ وگرنه تنها عامل ارتباط بین افراد مسلمان در یک نظام اسلامی، همان حفظ پیوند بندگی با خدای سبحان است. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۷) مهم‌ترین ویژگی و تفاوت نظام اسلامی با سایر نظام‌ها در نحوه نگرش به انسان و سازمان نهفته است. جهت دهی مجموعه نظام اسلامی، در چارچوب احکام اسلامی و تعالی به سوی خدا است. بر این، رهبر معظم انقلاب، شعارهای انقلاب دینی و نظام اسلامی را برخاسته از یک امر حقیقی که همان فطرت بشری است، دانسته و بیان می‌دارند:

«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب از این قاعده مستثنی است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای

بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دلزده شوند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

در نگاه حاکمیت اسلامی، معنویت و اخلاق در عینیت جامعه تحقق یافته و معنا می‌یابد. چه معنویت همان برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. دو تکیه‌گاهی که جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ و بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

۴.۲. اقتصاد در نگاه ثقلین

بی‌تردید دین مبین اسلام، تنها ناظر به ابعاد معنوی و روحی انسان نیست، بلکه برای پیروان خود، سعادت مادی و معنوی را، توأمان می‌خواهد. (بقره، ۲۰۱؛ نساء ۱۳۴) اسلام نه بسان رهبانیت مسیحی، بهره‌گیری از مواهب مادی را به کلی نکوهش می‌کند، و نه همچون یهودیت افراطی، غرق شدن در مادیات و غفلت از معنویات را رخصت می‌دهد. (مراغی، ۱۹۸۵، ۶/۲) بلکه افزون بر آن که دینداران را از وارد ساختن افکار منفی توسط شیطان آگاه ساخته و آنان را متوجه توکل و باور قلبی به توانمندی و رزاقیت خداوند متعال می‌سازد، با ارائه راهکارهایی ایشان را در مسیر خداباوری و دستیابی به آرامش روانی و رهایی از القائات شیطانی در زمینه تنگدستی، با تمرکز صحیح بر منابع مادی و مدیریت صحیح آن یاری می‌نماید. (شاذلی (سید قطب)، ۱۳۸۶، ۱۸۰/۱؛ مغنیه، ۱۹۹۰، ۴۰/۵)

به حکم عقل، به‌عنوان رسول باطنی آدمیان، و شرع شریف، رفاه و توسعه اقتصادی پایدار، جز در سایه بهره‌وری معتدل محقق نخواهد شد؛ امام صادق علیه السلام در روایتی، میانه‌روی را که خود از لوازم اصلاح الگوی مصرف است، از سپاهیان عقل، و مصرف بی‌رویه و

مصرفانه را از سپاهیان جهل برشمرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۲/۱) همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «العقلُ أتكُّ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ»؛ خرمندی، این است که میانه‌روی کنی و اسراف نکنی. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۲۲) اصلی‌ترین مبانی اعتقادی و اخلاقی اصلاح‌الکوی مصرف را می‌توان «باور به اصالت مالکیت الهی»، «باور به اخوت ایمانی»، «ملازمه تکامل معنوی و مهار لذات مادی» دانست. (شاذلی (سید قطب)، ۱۳۹۲، ۱۸۱۱۶۱) در پارادیم اقتصاد اسلامی، در عین ارزش‌بخشی به مالکیت فردی، اموال از آن خداوند است و اوست که آن‌ها را نزد آفریدگانش به امانت نهاده است، آن‌طور که بهره‌مندی مصرفانه و خارج از حد اعتدال، خروج از فرمان الهی، حرام و ناقض توحید عملی محسوب می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱۰۰) چراکه از منظر معجزه خاتم، مؤمنان برادر یکدیگرند (حجرات، ۱۰) و این پیوند برادری، چنان مستحکم است که آحاد جامعه اسلامی، همانند اعضای پیکر یک فرد انسانی هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۶۶/۲) و بی‌تفاوتی و رفاه‌زدگی در صورتی که برادران ایمانی در رنج ناداری و تنگنای معیشتی باشند، خلاف مروّت اسلامی و تکامل معنوی و بهره‌مندی از مغفرت الهی تلقی شده است. آن‌طور که رسول مکرّم اسلام در این باره می‌فرمایند: «مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ جَائِعٌ قَالَ وَ مَا مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ يَبِيتُ وَ فِيهِمْ جَائِعٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»؛ هر کس با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، به آیین من ایمان ندارد (حق ایمان را ادا نکرده است و آن را به کمال نیافته است)، مردم هر آبادی که شب به خواب روند و در میان آن آبادی یک نفر گرسنه بخوابد، بروز رستاخیز، خداوند به چهره آنان نمی‌نگرد. (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۳۰/۱۲) بی‌تردید روح از بدن و سلامت و نیرومندی آن بی‌نیاز نیست، اما غرقه شدن در تنعمات مادی و اقبال تمام به لذت‌گرایی جسمانی، مجال و فراغتی برای بهره‌برداری از کانون روح و منبع بی‌پایان ضمیر، باقی نمی‌گذارد و در حقیقت، نوعی تضاد میان تنعمات روحی و تمتعات مادی. اگر به صورت غرقه شدن و محو و فانی شدن در آن‌ها باشد. وجود دارد. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۱۹) اما ساده‌زیستی و دوری از تجملات و تمتعات اضافی، انسان را مقاوم، استوار و سخت‌کوش

می‌پرورد؛ و این مهم، به‌ویژه برای رهبران معنوی و حاکمان و تصمیم‌سازان جامعه، امری حیاتی است. (الرضی، ۱۳۷۹، ۴۱۷)

آیات و روایات فراوانی تأکید بر آن دارند که انسان باید از نعمت‌های حلالی که در اختیار دارد بهره‌بردار، چراکه خداوند دوستدار آن است که جلوه‌های نعمت و بهرمندی از آن را بر بنده‌اش ببیند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱/۳۴۵ - ۳۴۷) در این میان گشاده‌دستی برای خانوار به هنگام رفاه (التوسع علی العیال) (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۵۴۰ - ۵۴۲)، آینده‌نگری و پس‌انداز (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۶۸) بخشی از درآمد با در نظر داشتن اهمیت سرمایه‌گذاری و بازسازی از انباشت ثروت (طوسی، ۱۴۰۷، ۶/۳۲۷)، انفاق و مشارکت اجتماعی (بقره، ۳ و ۲۶۱؛ الترمذی، ۱۴۱۹، ۴/۶۴۴) از مهم‌ترین نکات روایات مطرح شده در مدیریت منابع مالی است.

نظام اقتصاد اسلام، با در نظر داشتن تفاوت طبیعی افراد در دستیابی به مال، جلوگیری از شکل گرفتن شکاف طبقاتی عمیق در میان مردم و اداره جامعه بر اساس اقتصاد متوازن، برپایی عدل و قسط و برخورداری تمام اقشار جامعه از سطح متوسط مصرف را هدف قرار داده است. از این‌رو هرگونه انباشت ثروت نزد عده‌ای خاص که منجر به فقر و محرومیت جمعی می‌گردد را نپذیرفته و با تمامی عوامل و ریشه‌ها و نیز مظاهر فقر و تکاثر سخت به مبارزه پرداخته است؛ از یک سو، مخالف قرار گرفتن ثروت‌های جامعه، نزد گروهی معدود، ویژه‌خواری و ایجاد قطب‌های سرمایه‌داری است. (حشر، ۷؛ توبه، ۳۴؛ تکاثر، ۱ - ۶؛ واقعه، ۴۵) و از سوی دیگر، هرگز فقر و محرومیت را برای جامعه اسلامی مورد تأیید قرار نداده است، بلکه گاه فقر کمرشکن (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴/۳۶۵) را موجب کفر دانسته (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۲۹۵)، گاه آن را بالاتر از مرگ معرفی نموده (برقی، ۱۳۷۱، ۲/۶۰۱) و دیگرگاه، آن را تلخ‌ترین چیزها برشمرده (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۲۲) که می‌بایست از شرش به خدا پناه برد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۸/۷۲)

کوتاه سخن این‌که نظام اقتصادی اسلامی در جامعه اسلامی، فراتر از یک توصیه اخلاقی

باید با مدیریت و تخصیص بهینه منابع مالی بر پایه نفی فقر و محرومیت و تکاثر و کاهش اختلاف طبقاتی تنظیم گردد تا تمامی آحاد جامعه از سطح متوسط مصرف، برخوردار گردند؛ اصولاً تشریح انفاق‌های واجب و مستحب و تأکید فراوان بر اهمیت آن، همگی در راستای ریشه کن شدن فقر است نه کمک ناچیزی که تنها به رفع موقت نیازهای نیازمندان بیانجامد.

۳.۴. ازدواج و فرزندآوری جوانان

در نظر نداشتن عوامل غیربازاری (ارزشی، فرهنگی و روانی) در مدیریت اقتصادی و تعیین سطح مصرف افراد، تحلیلی ناقص و ناکافی را ارائه می‌دهد. هرچند در نظام متعارف اقتصاد، تمرکز بر عوامل بازاری و به‌طور ویژه افزایش مصرف، منجر به رونق اقتصادی می‌گردد، ولی دشواری تأمین مالی مخارج مصرف، در موارد بسیاری بدهی‌های مالی را در پی داشته، و پیوند تأمین مالی با نوسان‌های بازارهای آن، رونق اقتصادی را دچار مشکل می‌سازد. در این میان نظام اقتصاد اسلامی، با جهت‌دهی و برانگیزاندن محرک‌های درونی افراد و وضع محدودیت‌های تقنینی و سفارش‌های ارزش‌مدار، رونق و شکوفایی اقتصادی را هدف قرار داده و با اهمیت دادن به آرامش روانی و اطمینان خاطر افراد، بحران‌های کلان اقتصادی را کنار گذاشته است. ساز و کارهایی که از یک سو با وجود اهتمام به ارزش کار و هم‌وزن قرار دادن آن با جهاد در راه خداوند، تصفیه اخلاقی، انگیزه‌ها و سلايق را پیش از ورود به بازار تصحیح می‌کند و از سوی دیگر با ارائه راهکارهای قابل اجرا و جامع‌نگر، میانه‌روی در مصرف را تجویز نموده و از اسراف و اتلاف منابع باز داشته و با تأکید بر توجه به نیازمندان و نقش انفاق در سلامت اقتصاد جامعه، زمینه‌های تقاضای لازم برای تداوم رشد اقتصادی و پیش‌گیری از رکود را فراهم آورده است. از این رو با عنایت به این مهم که مدیریت بهینه منابع مالی و ثروت‌های ملی، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱/۱): <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۸۸> در ادامه مسئله رکود ثبت ازدواج

جوانان و در پی آن کاهش فرزندآوری را از منظر تعامل معنویت و اقتصاد دنبال خواهیم کرد. ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری، یک انتخاب است که افزون بر نیاز طبیعی و فطری آدمیان، تابع عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. در این میان اقتصاد و پیوند آن با معنویت به معنای باورمندی به حمایت الهی از پیشگامان در ساحت تشکیل خانواده و به دنبال آن پرورش نسل توحیدی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش و افزایش نرخ ازدواج و باروری مورد اهتمام نوشتار حاضر است. چه بررسی پدیده‌های اجتماعی همواره نیازمند بررسی جوانب مختلف آن پدیده بوده و ازدواج و فرزندآوری نیز از بستر تحقق خود جدا نمی‌باشد. البته بیان پیش‌رو گرچه بر نقش باورهای دینی و معنوی و تأثیر آن بر تشکیل و تحکیم خانواده ناظر است، اما به هیچ وجه نافی وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت‌ها در تأمین مالی و امنیت روانی جوانان در گام گذاردن در این میدان ارزشمند نیست. امری که با وجود بدهت، نیازمند پژوهشی مستقل و توجه‌ای ویژه بوده و تلاش بیش از پیش زمامداران و مسئولان امر را می‌طلبد.

فراهم بودن امکانات اولیه جهت تشکیل خانواده و در پی آن فرزندآوری امری ضروری و غیر قابل انکار است. به بیان دیگر نمی‌توان وجود فقر مطلق را به عنوان عامل کاهنده حیات مادی و معنوی نادیده گرفت. اما گاه ترس و نگرانی‌هایی غیر ضروری عرصه را بر جوانان تنگ کرده و ایشان را از قدم نهادن در این میدان بازمی‌دارد. امری که می‌توان از آن با نام «فقر ذهنی» یاد نمود. در ادامه پس از ارائه تعریف دقیق این مفهوم، به بیان ریشه‌های بروز، درمان و کیفیت رویارویی با آن از نگاه آیات و روایات پرداخته و با برقراری پیوند میان حوزه اقتصاد و معنویت، ساز و کارهای مواجهه و از میان برداشتن این چالش را بیان خواهیم کرد.

۳.۱-۴. فقر ذهنی و تأثیر آن بر زندگی جوانان

فقر مفهومی به معنای حاجت و نیاز و ضد غنی و کفاف است. (ابن منظور، ۱۴۱۰، ، ۶۰/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ، ۱۵۰/۵) تعریف فقر و میزان حد کفاف و خط فقر با دگرگونی جوامع در طول زمان تغییر یافته و میزان مشخص و یکسانی برای همه ادوار ندارد. (رئیس

دانا، ۱۳۸۴، ۶۴؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱۵۷/۲)

موضوع فقر در حدود ۵۰ آیه از قرآن کریم را با مفاهیم نزدیک به هم، شامل شده است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ۳۱۱۲۷۷) بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات در اطراف آن، درباره حل معضل فقر به عنوان عاملی کاهنده از منظر جایگاه و گستره تأثیر اجتماعی و گاه قوای ایمان و راهکارهای فقرزدایی و رسیدگی به امور تهیدستان و ناداران است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۲۵.۴۰۵) به گونه‌ای که نادیده گرفتن حقوق فقیران برانگیزاننده خشم و عذاب الهی است (قلم، ۲۰۱۷)، و ائمه علیهم‌السلام نیز آنان را که نسبت به حقوق ناتوانان بی تفاوت بوده و گره‌ای را نمی‌گشایند در زمره شیعیان خود به حساب نیاورده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۷۳/۲) بخشی دیگر از گزاره‌های قرآنی و روایی نیز که در آن فقر ستایش شده و در مقابل آن غنا و توانگری مذمت گردیده موضوعاً از مورد پژوهش خارج بوده و در جای خود قابل تتبع و پی‌گیری است. گزاره‌هایی که گاه در موضوع فقر الی الله و نیاز بایسته و پیوسته مخلوقات به ذات اقدس الهی است (فاطر، ۱۵؛ محمد، ۳۸؛ قصص، ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹۱/۶۹) گاه به انتخاب اولیای الهی و وسیله‌ای برای تعالی روح است؛ نه فقر اضطراری که زاینده سیاست‌های نظام‌های جائزانه مالی و اقتصادی است و توده مردم را تا سر حد کفر پیش می‌برد؛ در حقیقت این نوع فقر افتخارآمیز^۱، خط بطلانی بر مفاخرات پوچ و ارزش‌های توخالی است نه حمایت از فقر و توجیه آن برای مردمی که با آن روزگار به سختی می‌گذرانند. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۴۴۰.۴۳۹/۴) و گاه تنها در آن صبر فقیر بر نداری مدح شده، و نه فقر، چه، فقیر صابر، غالباً مقامش از غنی شاکر بالاتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۴.۳۰/۷۲)

اما آنچه در این میان بیشتر با مقاله حاضر همسوست، آیات ۳۰ فجر، ۳۳ نور، ۲۶۷ و

۱. اشاره به روایت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه دارد که فرمودند: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَخِرُ»؛ فقر مایه مباهات من

است و بدان می‌بالم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۰/۷۲)

۲۶۸ بقره است که به ترتیب در آن‌ها به این موضوعات پرداخته شده است؛ فقر و تهی دستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب گشودن به اعتراض و گلایه از او (فجر)، زنان و مردان غیر متأهل، فقیر و فاقد امکانات ازدواج، بیشتر از دیگران، در معرض بی‌عفتی و آلودگی به فساد جنسی هستند (نور) و ترس از فقر زائیده جهل به گشایشگری و علم خداوند به حال انسان است که شیطان، برای بازداشتن انسان از انفاق و بدگمانی به خداوند آن را القا می‌کند. (بقره) این درحالی است که به بشارت قرآن کریم، خداوند خود وسعت بخش و آگاه از حال بندگان خود است و به هنگام سختی و تنگدستی آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد ساخت. (نور، ۳۲)

مفهوم به کار رفته در آیات فوق و به‌ویژه در آیه ۲۶۸ سوره بقره^۱، همان مفهوم «فقر ذهنی» است. احساسی متفاوت از فقر که در روانشناسی مثبت‌گرا^۲ به عنوان چالشی برای بهباشی، شادکامی و رضایت‌مندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (کیت هفرن، ۱۳۹۷، ۸۴.۷۶) چراکه فقر امری کمی و عینی است که فرد خود را در مواجهه با آن درمی‌یابد، اما احساس آن، امری کیفی و روانی است و لزوماً همراهی با فقر عینی ندارد، به گونه‌ای که فرد گاه با وجود ابتلای به فقر عینی، از چالش ذهنی درگیری با فقر رها بوده و در بند مسائل آن قرار ندارد. (تمیمی آمدی، ۱۴۲۰، ۸۲۰) احساس فقر، به‌عنوان یکی از عوامل انحرافات اجتماعی، در جوامعی که توزیع ثروت و امکانات عادلانه نیست، ممکن است به سبب تلاش حداکثری محرومان و افراد کم‌برخوردار، منجر به بروز اعمال غیراخلاقی و نادرست شود، کج‌رفتاری‌ای که به‌طور ویژه در جوامع مبتلا به مانور تجمل و اشرافی‌گری، شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده، احساس

۱. دلیل تکیه بر آیه مذکور در سوره بقره و عدم یادکرد دو آیه سوره فجر و نور، صراحت آیه سوره بقره است. چراکه مفسران به گاه تأثیر از روایات، دو آیه دیگر از سوره‌های فجر و نور را مرتبط با مسئله احساس فقر دانسته‌اند و این پژوهش به منظور دریافت مستقیم مفاهیم از خود قرآن کریم، تنها بر آی‌ی مذکور متمرکز خواهد شد.

۲. positive psychology

فقر و خلأ اقتصادی را تشدید و افزون بر بی‌تاب ساختن روانی طبقات فقیر و عدم موفقیت آنان در کامیابی و دسترسی به منابع، احتمال وقوع رفتارهای انحرافی را قوت بخشید و زمینه‌ساز رخداد جرم و جنایت‌های گسترده گردد. معضلی که قرآن کریم از یک سو با نادرست معرفی کردن فرهنگ مال‌پرستی و تفاخر از آن تحذیر نموده (سوره تکوین) و از سوی دیگر با ترویج فرهنگ مشارکت اجتماعی و انفاق، سعی بر جلوگیری از وقوع آن داشته و می‌فرماید: { وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ } (بقره، ۱۹۵)؛ و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲/۳۵)

نگارنده تفسیر المیزان در ذیل آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱ (بقره، ۲۶۸) این نوع فقر را تبیین کرده و می‌نویسد: «و چون ممکن بود کسی توهم کند که ترس نامبرده ترسی است بجا، هرچند از ناحیه شیطان باشد، لذا برای دفع این توهم بعد از جمله: "الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ" دو جمله را اضافه کرد، اول این که فرمود: " وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ"، یعنی هرگز از شیطان توقع نداشته باشید که شما را به عملی درست بخواند چرا که او جز به فحشا نمی‌خواند، پس خودداری از انفاق مال طیب به انگیزه ترس از فقر هرگز عملی بجا نیست، زیرا این خودداری در نفوس شما ملکه امساک و بخل را رسوخ می‌دهد، و به تدریج شما را بخیل می‌سازد، در نتیجه کارتان به جایی می‌رسد که اوامر و فرامین الهی مربوط به واجبات مالی را به آسانی رد کنید، و این کفر به خدای عظیم است، و هم باعث می‌شود که مستمندان را در مهلکه فقر و بی‌چیزی بیفکنید، و از این راه نفوسی تلف و آبروهایی هتک گردد، و بازار جنایت و فحشا رواج یابد،

۱. شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد؛ ولی خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر دانا است.

جمله دومی که اضافه فرمود این است که فرمود: " وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ"، در این جمله خدای تعالی این نکته را بیان نموده که در این مورد حقی است و باطلی، و شق سوم ندارد، و حق همان طریق مستقیم است که از ناحیه خدای سبحان است، و باطل از ناحیه شیطان است. «(طباطبائی، ۱۴۰۲، ۲/۳۹۴، ۳۹۵)

بنابراین حاصل حجّتی که در آیه شریفه اقامه شده این است که ترس از فقر، القایی شیطانی است، او این ترس را به دل‌ها می‌اندازد، و هیچ منظوری به جز گمراهی و به فحشا کشاندن ندارد، پس نباید از او پیروی شود. همچنین باید افزود که واژه "فحشاء" تنها به معنای گناه بی‌عفتی نیست و به معنی هر کار زشت و بسیار قبیح است، و در این جا به تناسب بحث، به معنی بخل و ترس از تصرف در اموال و دارایی به کار رفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲/۳۳۶) تعبیر به امر کردن شیطان نیز اشاره به همان وسوسه‌های او است، و اصولاً هر نوع فکر منفی و بازدارنده و هلاک‌کننده همچون بیم از فقر، سرچشمه‌اش تسلیم در برابر وسوسه‌های شیطانی است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱/۶۹) و در مقابل، هر گونه فکر مثبت سازنده و آمیخته با بلند نظری، سرچشمه‌اش الهامات الهی و فطرت پاک خدادادی است.

۳.۲ - ۴. راه‌کارهای رویارویی با فقر ذهنی

مدیریت صحیح منابع مالی و آگاهی از راه‌های بهینه سرمایه‌گذاری و تجارت و در نهایت شناخت هرچه بیشتر تعدیل انتظارات مصرفی از مهم‌ترین شیوه‌های مطرح شده در زمینه رویارویی با فقر و رشد داشته‌های مادی است. اما آنچه بیان گشت بیش از همه با فقر عینی و از میان رفتن ثروت به صورت واقع در ارتباط است. چه فرد در افتاده در رنج ترس از فقر یا همان فقر ذهنی، لزوماً از منظر اقتصادی دچار بحران نشده است، بلکه اختلال به وجود آمده ریشه در باورهای او دارد. از این رو با در نظر داشتن راهکارهای رویارویی و بازسازی از فقر عینی، می‌بایست به ارائه راه و روش‌هایی پرداخت که مسئله روانی توهم ناداری را رفع کرده و آرامش را در سرزمین وجودی فرد حاکم سازد.

از منظر گزاره‌های دینی در گستره قرآن کریم و روایات اسلامی، احساس فقر عاملی کاهنده و مختل‌کننده در تصمیم‌گیری درباره ازدواج و مسئله فرزندآوری است که هزینه‌ها و مسئولیت‌های تشکیل و تحکیم خانواده را بیش از مقدار واقعی آن نشان داده و منجر به نادیده‌انگاری داشته‌ها و توانمندی‌ها فرد می‌شود. (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۹۰/۹) از این رو ثقلین، از طریق بیان فرصت‌های پیش‌روی جوانان در موضوع ازدواج و باروری، تلاش می‌کند تا با دو شیوه به حل این معضل پردازد.

شیوه نخست آن است که با بهره‌گیری از تشویق و ترغیب و بیان منافع ملموس تشکیل خانواده و فرزندآوری همچون؛ زینت بخشی زندگی دنیا (کهف، ۴۶؛ فرقان، ۷۴)، امداد الهی (نوح، ۱۲۱۰)، بقا و تداوم نسل (انبیاء، ۹۰، ۸۹؛ مریم، ۵۴) فقر ذهنی را از نهاد دین‌مداران زدوده و مطلوبیت محبوب‌ترین بنیاد در پیشگاه خداوند متعال را یادآور شود. از جمله این موارد می‌توان به روایت امام کاظم علیه السلام اشاره کرد. بر اساس این روایت، شخصی نزد امام علیه السلام رسید و عرض کرد: پنج سال است که به سبب اکراه همسرم از تنگ‌دستی من و ناتوانی‌ام در مدیریت معاش، از فرزندار شدن پرهیز دارم. نظر مبارک شما چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: تو در طلب اولاد باش، خداوند روزیشان را می‌دهد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶) بنیان قرآنی این بیان را می‌توان در کلام خداوند دنبال نمود. آن‌طور که خداوند رزاق پس از نکوهش رفتار جاهلی از میان بردن فرزندان به سبب ترس، آنان را موهبت روزی گستر الهی معرفی می‌نماید. (اسراء، ۳۱) بیانی که در آیاتی دیگر از قرآن با صراحت و تأکید بیشتری مطرح شده (نور، ۳۲؛ ذاریات، ۲۳-۲۲) و از راه پیوند مفهومی با رازقیت خداوند (شوری، ۱۹؛ یونس، ۳۳-۳۱؛ سبأ، ۳۹؛ مائده، ۶۴)، آرامش و رویکرد مثبت به تشکیل و تحکیم خانواده را به ارمغان آورده است. (طباطبائی، المیزان، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۵۷)

شیوه دوم، کاربست تعابیر تحذیری و نکوهش‌محور، با هدف خشکاندن ریشه احساس فقر در ذهن و ضمیردین‌داران است. از جمله این روایات می‌توان به حدیث عبد الله بن مسعود اشاره کرد. ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بزرگترین گناه سؤال کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس

از شرک، ترس از فرزندآوری و کشتن فرزندان را با این تصور که با فرد هم غذا شوند را در مرتبه بعد یاد کرد. (نوری، ۱۴۰۸: ۳۳۲/۱۴) نمونه دیگر از روایات نکوهش محور حدیث گزارش شده از امام صادق علیه السلام است. آن جا که امام با بیانی قرآنی و استناد به آیه ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نور، ۳۲) و ﴿لَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ (زمر، ۳۶)، خداوند را برای نجات و یاری بنده کافی دانسته و آنان را که از ترس مخارج زندگی ازدواج نکنند، مصداق کسانی دانسته که به خداوند گمان سوء برده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۰/۵)

آشکار است که گزاره‌های یاد شده ناظر به شرایطی است که احساس ناداری فرد را از ازدواج و باروری باز داشته و فقر مطلق و ناتوانی در اداره معیشت خانواده موجب سرباز زدن از پذیرش مسئولیت تشکیل خانواده نشده است.

۵. نتیجه‌گیری

این نوشتار، جهت تبیین واکاوی همبستگی معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به سنجه آیات و روایات؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نگاشته شده و با بررسی و تحلیل محتوای سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و عرضه آن بر آیات و روایات به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. دین مبین اسلام برخلاف مکاتب نظری بشری، آیینی عملی است و اصول اعتقادی آن هم زیربنای تفکری صحیح است که بازده آن می‌بایست در عرصه زندگی دین‌باوران هویدا و آشکار باشد. چراکه باور سطحی، ظاهری و فاقد هرگونه برون‌داد اجتماعی، نه بهروزی دنیا را به بار می‌آورد و نه رستگاری در آخرت را به ارمغان خواهد آورد.

۲. بیانیه گام دوم به‌عنوان آبشاری از حکمت، فرهیختگی و پختگی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که در چهل سالگی انقلاب بر قلم ظریف و لطیف و نکته‌سنج ایشان جاری شده است، دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان یک دغدغه اساسی و حلقه وصل به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مورد اهتمام قرار داده و تحقق آن را وابسته رعایت

بایسته‌ها و الزاماتی کرده است. امری که در واقع تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل و البته دست یافتنی است که باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط مشی‌ها و خطوط اساسی و نقشه راه باشد؛ چراکه اداره یک جامعه، الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی رهبری اجتماع ناچار از پذیرش و مدیریت صحیح تحولات و تغییرات آن است.

۳. کاربست حداکثری کمی و کیفی مفاهیم «جوانان، اقتصاد» و پیوند میان آن با «معنویت و اخلاق» به عنوان ضامن اجرایی و تأمین‌کننده حیات بهشتی، امر قابل توجه و تحلیل در گفتار رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

۴. واکاوی مفاهیم سه‌گانه «جوان، اقتصاد و معنویت» در بیانیه گام دوم و سنجش آن با قرآن کریم و روایات اسلامی، نشان از همسویی کلام رهبری با قرآن و سنت و بنیان‌ثقلینی راهبردها و راهکارهای ایشان دارد.

۵. وابستگی و ناتوانی قوای اقتصادی جامعه اسلامی مغایر با روح تعالیم شریف نبوی و عامل سلطه‌پذیری و تضعیف آن در جوامع و ارتباطات بین‌المللی، نارضایتی داخلی و اخلال در همبستگی ملی و تحقق‌ناپذیری پیشرفت خواهد شد. از این رو اقتصاد از نگاه اسلام، اصلی خطیر و تأثیرگذار است که گرچه هدف تلقی نمی‌شود اما مدیریت صحیح آن موجب تسریع روند دستیابی به تمدن نوین اسلامی و سبک زندگی رشد یافته ایرانی اسلامی می‌گردد.

۶. بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات در اطراف آن، درباره حل معضل فقر به عنوان عاملی کاهنده از منظر جایگاه و گستره تأثیر اجتماعی و گاه قوای ایمان و راهکارهای فقرزدایی و رسیدگی به امور تهیدستان و ناداران است.

۷. «احساس فقر» برداشتی متفاوت از فقر است که در روانشناسی مثبت‌گرا به عنوان چالشی برای بهباشی، شادکامی و رضایت‌مندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چراکه فقر امری کمی و عینی است که فرد خود را در مواجهه با آن درمی‌یابد، اما فقر ذهنی، امری کیفی و

روانی است و لزوماً همراهی با فقر عینی ندارد، به گونه‌ای که فرد گاه با وجود ابتلای به فقر عینی، از چالش ذهنی درگیری با فقر رها بوده و در بند مسائل آن قرار ندارد.

۸. تأکید بر جایگاه باور نادرست فقر ذهنی بر تأخیر و یا پشیمانی از تشکیل خانواده و فرزندآوری، به معنای نادیده گرفتن فقر عینی و تأثیرات منفی آن بر اقتصاد و روند زندگی را ندارد. چالشی اساسی و انکارناپذیر که در صورت مدیریت ناصحیح، استعداد زمینه‌سازی تکوین بحران‌های خرد و در صورت تراکم، شدت‌یابی و دوام، شکل‌گیری بحران‌های کلان و تامل را در پی داشته و حیات و پویایی جامعه را به خطر می‌افکند.

۹. بی‌تردید دین مبین اسلام، تنها ناظر به ابعاد معنوی و روحی انسان نیست، بلکه برای پیروان خود، سعادت مادی و معنوی را، توأمان می‌خواهد. اسلام نه بسان رهبانیت مسیحی، بهره‌گیری از مواهب مادی را به کلی نکوهش می‌کند، و نه همچون یهودیت افراطی، غرق شدن در مادیات و غفلت از معنویات را رخصت می‌دهد. بلکه افزون بر آن که دینداران را از وارد ساختن افکار منفی توسط شیطان آگاه ساخته و آنان را متوجه توکل و باور قلبی به توانمندی و رزاقیت خداوند متعال می‌سازد، با ارائه راهکارهایی ایشان را در مسیر خداآوری و دستیابی به آرامش روانی و رهایی از القائات شیطانی در زمینه تنگدستی، با تمرکز صحیح بر منابع مادی و مدیریت صحیح آن یاری می‌نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۲۶. آقاپور، سید مهدی و احمد فرخی، ۱۳۸۳ش، گزارش ارزیابی عملکرد صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران طی برنامه سوم توسعه (۸۳ - ۱۳۷۹) رویکرد جوانان، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی علمی، معاونت فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۷. آموزگار، محمد حسن، ۱۳۷۲ش، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران، اول، انجمن اولیاء و مربیان.
۲۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، الخصال. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۹. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، الامالی. تهران، کتابچی.
۳۰. _____، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. _____، ۱۳۶۲ش، الخصال، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳۲. _____، ۱۳۹۸ق، التوحید، محقق و مصحح هاشم حسینی، قم، اول، جامعه مدرسین.
۳۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم المصری الأنصاری، ۱۴۱۰ق، لسان العرب. بیروت، دار صادر.
۳۴. احمدی، سید احمد، ۱۳۸۲ش، روان شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان، دهم، انتشارات مشعل.
۳۵. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
۳۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، قم، دوم، دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. برک، لورای، ۱۳۸۵ش، روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران.
۳۸. بی‌ریا، ناصر و همکاران، ۱۳۷۵ش، روان شناسی رشد (۱ و ۲) با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت.
۳۹. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۹۶ش، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۴۰. _____، ۱۳۹۱ش، مفاتیح الحیاة، قم، اسراء.
۴۱. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول، قم، دوم، جامعه مدرسین.
۴۲. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰ش، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۳. حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الاسناد، قم، اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۴۴. دبس، موریس، ۱۳۳۵ش، بلوغ، ترجمه حسن صفاری، تهران، دوم، کتابفروش علی اکبر علمی.
۴۵. رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۸۴ش، «اندازه گیری شاخص و پویش فقر در ایران»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
۴۶. شاذلی، سید قطب، ۱۳۸۶ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۷. _____، ۱۳۹۲ش، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۴۸. شریعتمداری، علی، ۱۳۶۶ش، روان شناسی تربیت، تهران، امیرکبیر.
۴۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغة، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
۵۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵۱. صدر، سید محمد باقر، ۱۳۷۵ش، اقتصاد ما، ترجمه محمد مهدی برهانی، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی. انتشارات برهان.
۵۲. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۳. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، مکارم الاخلاق، قم، چهارم، الشریف الرضی.
۵۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم، اول، دار الثقافة.
۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، قم، نشر هجرت.
۵۶. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۶۸ش، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۷. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ق، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، تهران، اول، دارالاسوة.

۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، چهارم، دارالکتب الإسلامية.
۵۹. کندی ادی، سموئیل، ۱۳۸۱ش، آیین شهریاری سیاسی در شرق، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۰. لطف آبادی، حسین، ۱۳۸۴ش، روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران، سمت.
۶۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دوم، دار احیاء التراث العربی.
۶۲. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۹ش، حکمت نامه جوان، ترجمه مهدی مهریزی، قم، هشتم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۶۳. _____، ۱۳۸۸ش، میزان الحکمة، قم، دهم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۶۴. مراغی، احمد مصطفی، ۱۹۸۵م، تفسیر المراغی. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲ش، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا.
۶۶. مغنیه، محمد جواد، ۱۹۹۰م، تفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم للملایین.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، اول، دارالکتب الإسلامية.
۶۸. منصور، محمود و پریخ دادستان، ۱۳۸۱ش، روان‌شناسی ژنتیک (۲) از روان تحلیل‌گری تا رفتارشناسی، تهران، انتشارات رشد.
۶۹. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
البيت (ع).
۷۰. هفرن، کیت و ایلونا بونیول، ۱۳۹۷ش، روان‌شناسی مثبت‌گرا؛ نظریه‌ها، پژوهش‌ها و کاربردها، ترجمه محمد تقی تبیک و محسن زندی، قم، دارالحدیث.